



درباره

چهار

نویسنده

معاصر

ترجمه :

م. ع. سپانلو

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آرتور کوئستر

آرتور کوئستر، از اربابند، کلود سیمون، مارتین والسر، چهارمرد ادب، چهارشاهد روزگار ما هستند. دادرسی اعمال توکالیبتاریسم، تحلیل هدیانهای غنائی، جاذبه گذشته تشریح کسالت زندگی، همه و همه موضوعات زمان معاصرند. این راز آثاری است که پیر نمیشوند.

آرتور کوئستر نویسنده مجاری الاصل و تبعه فمیلی انگلیس که در خانه کاخ مانندش در بریتانیای کبیر مقیم است بیش از سی سال از عمر خود را در کشور خویش و در بسیاری از نقاط دنیا بجستجوی عناصر اصلی زمان ما و ارزیابی

آنها گذرانده است. در این نویسنده حادثه جو، این گزارشگر فطری، ایمان و عقاید سیاسی چپ است که جهت انتخابها و ابتکارها را تعیین می کند. او بسال ۱۹۰۵ در بوداپست متولد شد در دانشگاه وین ریاضیات تحصیل کرد به فلسطین سفر کرد و سپس در برلین مقیم شد.

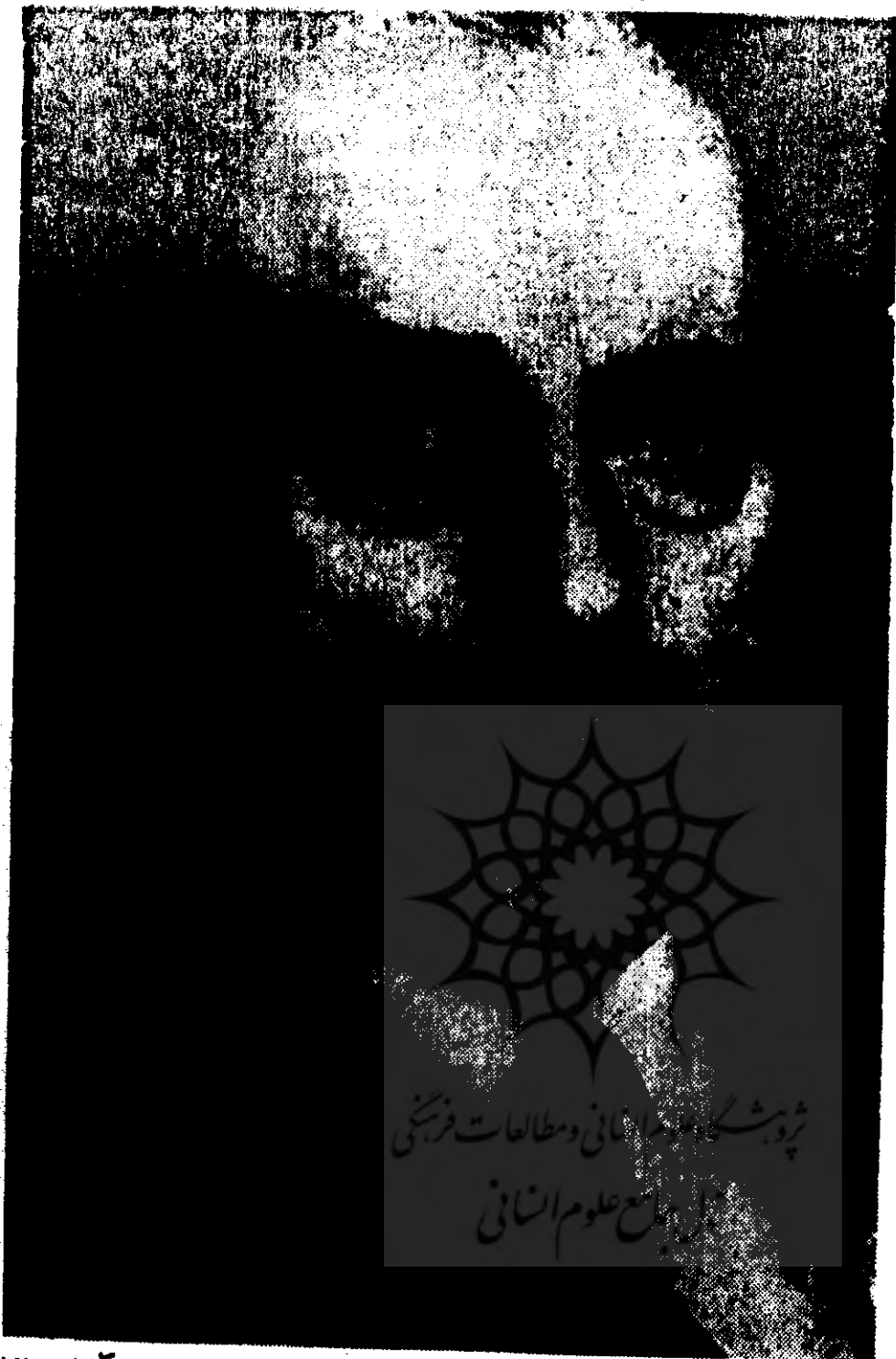
نخستین فعالیتش در روزنامه نگاری با سفری در یک هواپیما از فرانکفورت شمال شکل گرفت و گزارشهایش از قطب او را به گونه یک مطبوعاتچی پخته معرفی کرد.

در همان ایام مخفیانه در حزب کمونیست آلمان ثبت نام کرد در آلمان بود که اسپار تاکوس را چاپ داد و کار نویسندگی را آغازی نهاد. سپس بدنبال عروج هیتلریسم به اتحاد شوروی مهاجرت کرد و چند سالی در آنجا روزگار گذراند بعد که در پاریس مقیم شد بخاطر همکاری با مبارزان ضد فاشیست سنکر مبارزه اش را تغییر نداد لیکن تجاری را که از شوروی اندوخته بود از یاد نبرد. و این تجربه بصورت کنار گذاشتن تقلید از شوروی شکل گرفت.

گزارشهای او برای نیوز کرو نیکل در مدت جنگ اسپانیا چنان حدت او شدت داشت که دار و دسته فرانکو او را به سلول محکومین به مرگ بردند یک اعتراض جهانی که پاپ نیز در آن شرکت داشت باعث آزادی اش شد پاریس برگشت تا به سرانجام غمناک دوستش ویلی مون زن برگ عضو مهم کمیسیون آگاه شود. و این تاریخ قطع رابطه کامل او با سیاست شوروی و طرح ریزی یک کتاب اساسی در کارنامه ادبیش بود: صفر و بی نهایت.

با آنچه که در آن زمان از محاکمات مسکو میدانست و آنچه که از روسیه در ذهن سپرده بود، آرتور کوستلر تصویری دقیق از تصفیه بزرگ استالینی بدست میدهد در خود سال ۱۹۴۵ این کتاب (صفر و بی نهایت) بعنوان یک نوشته هجائی سیاسی مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت، ولی پس از آنکه گزارش خروشچف در باره تصفیه های استالینی زبانزد گردید. این اثر بعنوان تحلیل کننده سرنوشت انسان در برابر سیستمی که اهمیتی به فرد نمیدهد شناخته شده.

حالی که کوستلر فعالیت سیاسی زندگی اش را پایان یافته میداند ولی این نویسنده روزنامه نگار که بتازگی در باره انگلستان امروز تحت عنوان (خودکشی یک ملت) تحقیق کرده و زندگی در هند و ژاپن را *le Lotus et le sobot* در رساله (علوفه و آدم مصنوعی) مورد مطالعه قرار داده همواره به تحولات توده ها علاقه مند است. آخرین اثر او رساله فلسفی (فریاد ارشمیدس) که بسال ۱۹۶۵ چاپ شده با کنجکاوای خستگی ناپذیری سرنوشت دنیا را بررسی کرده است.



کلود سیمون

کلود سیمون با آلن ربگریه ، ناتالی سارو ، و میشل بوتور بزرگترین مؤلفین «رمان نو» هستند . او نویسنده‌ی است جستجوگر که با رمان‌های ، نتیجه‌دار و روانی مخالف است .
از نظر او هنر میبایستی اکتشاف یک حقیقت عمیق باشد نه مشاهدهٔ مظاهر و نقابهایی که ما را احاطه کرده‌اند .
او در سال ۱۹۱۳ در تاناناریو از پدر و مادری فرانسوی متولد شد ،

در پاریس زندگی میکند و نیز در پریپین بیان در تانگستان که خود آبیاریش کرده... سال ۱۹۴۰ جنگ بر زندگی او نیز اثر گذاشت وی که جزو سوار نظام بود اسیر شد و برای مدت محدودی تبعید گردید. «جاده فلاندر» مشهورترین رمان او که در سال ۱۹۶۰ منتشر شده انعکاسی از این مشاخره است.

با اینحال کتاب مذکور یک داستان جنگی را در بر ندارد و اینجاست که شاهدی با هم ریختن خانواده و رفقای خویش بر اثر مصائب جنگ است. همه چیز در هم میریزد و در یک ادامه منطقی یا غیر منطقی به نتیجه میرسد اما آن مرد میکوشد واقعیت را از نو خلق کند.

این مطلب برآستی یکی از موضوعات بزرگ کلودسیمون است از نظر کسی که خواستار «مکمل‌ها» است، «صداهایی» که در هم می‌پیچند، روی هم می‌افتند. او نوشته است «تالمود تفسیر جاودانی یک اپیزود بوسیله اپیزودهای مشابه است یعنی معرفت باینکه چه چیزی آن اپیزود را تکمیل میکند یا با او مخالف است یا چشم اندازی شبیه موضوع آن بوجود می‌آورد. من تحت تأثیر دو چیز هستم: تقطیع، و منظره منقطع هیجان‌ناهی که هرگز بهم پیوند نیافته‌اند و در عین حال دنباله‌همدیگر هستند.»

این اهتمام از کلودسیمون مؤلفی منقطع نویسنده می‌سازد. او از «پرکردن خلأها» ابا میکند و میخواهد جذابیت تقطیع عوامل و صداهای مضاعفی را که بهم پاسخ میدهند حفظ کند و بوسیله یک جمله سرشار و پیچیده که بوسیله اسم فاعل سنگین شده و از خط زمان قراردادی نیز خارج میشود خواننده را به هرج و مرج آشکار میکشد.

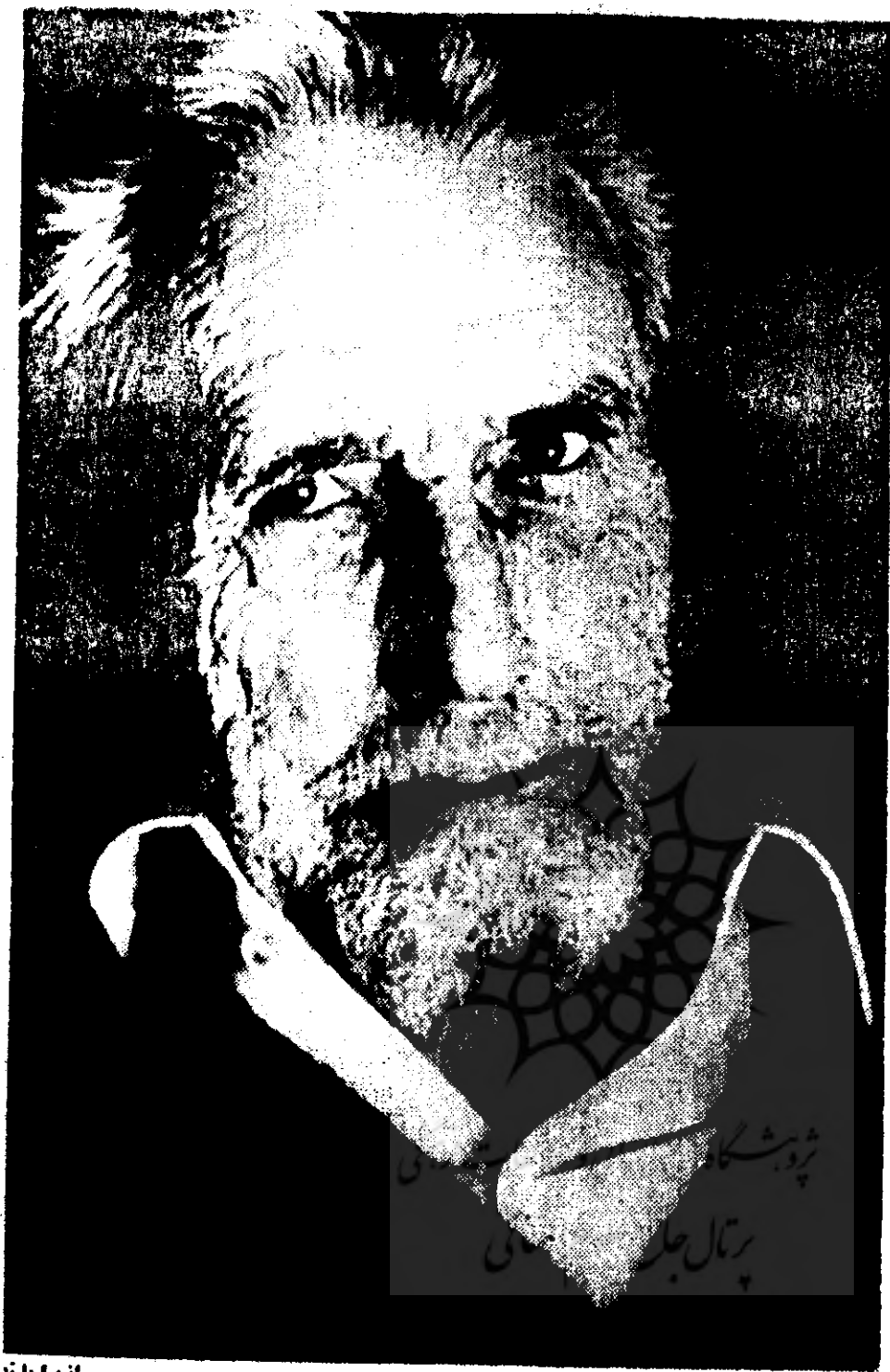
وقتی گفته شده: او بفلان محل میرود، عملی را متصور می‌کنند که شامل یک آغاز و پایان است.

ولی نه آغاز و نه پایانی در خاطره وجود دارد. به جز کتاب «حقه باز» - ۱۹۴۶ که به وضوح «بیگانه» کامورا بیاد می‌آورد، این موضوعات در تمام نوشته‌های سیمون یافت میشود.

گالیور (۱۹۵۲) و تقدیس بهاری (۱۹۵۴) نتایج نخستین پژوهشهای واقعی او هستند که دنباله آن:

Le Vent, ou la tananareve de restitution d' un retable baroque

(۱۹۵۷) و علف (۱۹۵۸) میرسد. پس از «جاده فلاندر» سیمون پالاس (۱۹۶۲) را منتشر کرد در پالاس که داستان جنگ اسپانیا پس از سرمای شمال بود، آن سوختگی جنوبی را که با نوشته‌اش سازگار است باز یافت.



ازرا پاند

او که مدت‌های دراز مورد توجه ناشران نبود بسال ۱۹۵۸ پس از انتشار عقاید موافق چند تن از منتقدین دوباره سرشناس شد. ازرا پاند امروزه يك شاعر بزرگ امریکائی در اذهان شناخته شده، شاعری در میان دیگران، اما شاعری که مبتکر زبان شاعرانه جدیدی است مردی که قادر است چارچوب مرزها را بشکند و فرهنگی جهانی را متصور نماید.

ازرا پاند که اصلا امریکائی است (بسال ۱۸۸۵ در هاپلی در ایالت ایداهو

متولد شده) از عنوان جوانی شیفته زبان رومی و تمدن (اندیشه رومی) شد و سرانجام این شیفتگی نگارش رساله‌های بود بسال ۱۹۰۶ هنگامیکه سمت استادی زبانه‌های فرانسه و اسپانیایی را در دانشگاه کرافوردویل داشت بخاطر پیچیدگی نظامات تصمیم به ترک امریکا گرفت. امریکائی که تعصب و مذهب پول به‌عصبانش کشیده بود.

بسال ۱۹۰۶ در جبل الطارق پیاده شد سراسر اسپانیا را پیاده پیمود و در جنوب فرانسه نخستین کتابش را بنام *Alume Speuto* نوشت که در ونیز چاپ شد. بدینسان جستجوئی را در لابلای زبان‌ها آغاز کرد و این جستجو شاعر را از فرهنگی به فرهنگ دیگر کشاند و حاصل آن اثری بود شبیه به «کمدی انسانی» در باره تمدن‌ها.

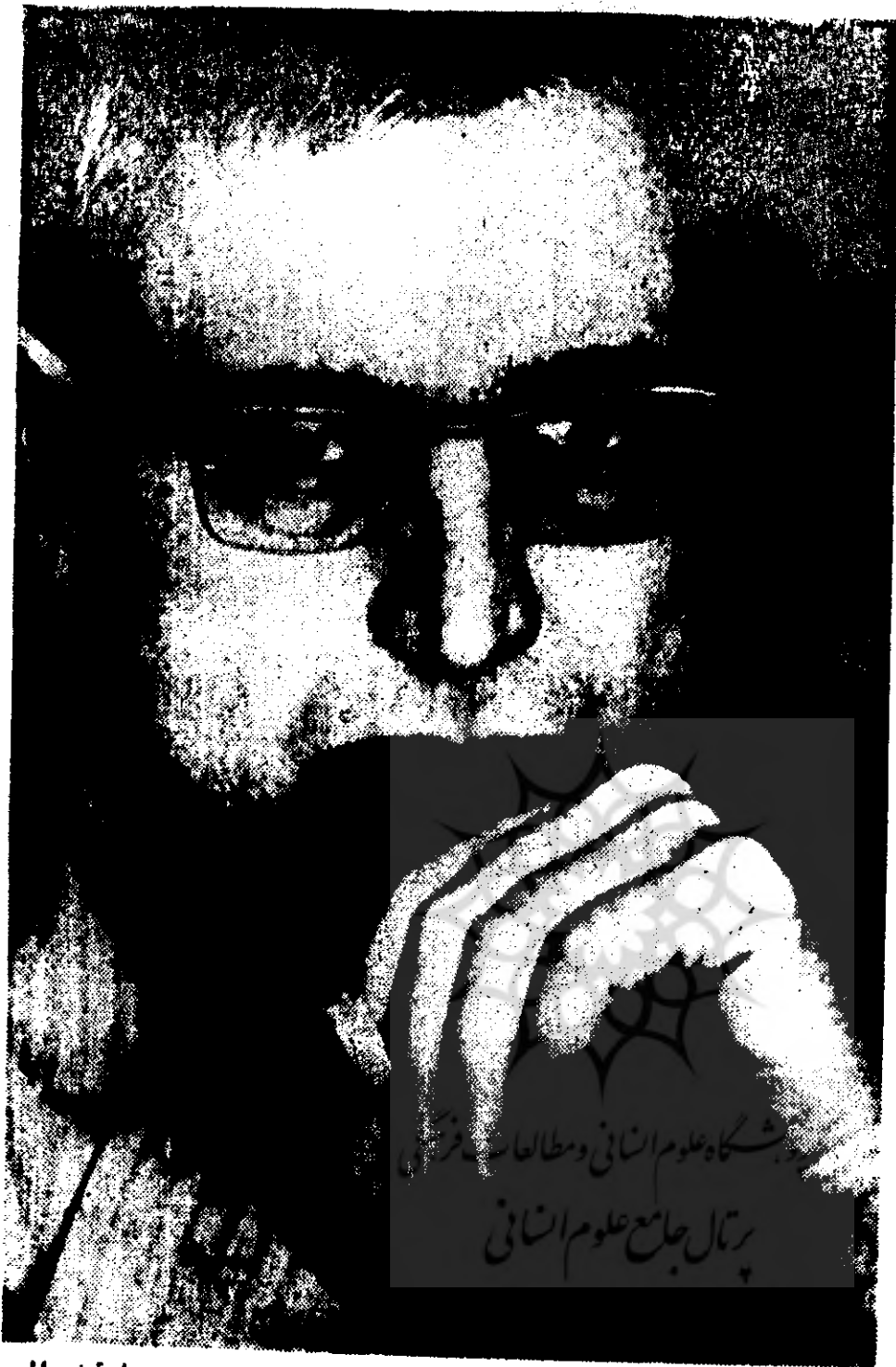
سپس در انگلستان سکنی گزید و تا سال ۱۹۲۱ در آنجا ماند. در انگلیس بود که با تیس وتی اس‌الیوت آشنا شد، زمانی که آن دو بادشواری تمام علیه جو ادبی بعد از ویکتوریا جدال میکردند. پاند به جیمز جویس نیز در طبع اولیس کمک کرد. اما مخصوصاً بعد از آشنایی با شعرو تئاتر ژاپن پاند به خلق مکتب «ایماژیسم» پرداخت.

این شیوه، از اشعار کوتاه ژاپنی معروف به های‌کو (اشعار سه مصرعی) ملهم شده بود تا شعر را به سوی نوعی «عکاسی» رهنمون باشد.

استقرار پاند بسال ۱۹۲۵ در ایتالیا نمابشگر یک دوره فعالیت سیاسی اوست (بخاطر نفرتش از سرمایه‌داری امریکا وی حاضر شد از رادیوی فاشیست‌ها به روزولت رئیس جمهوری وقت حمله کند).

در سال ۱۹۴۳ آنگاه که مقامات امریکایی شاعر را اسیر کردند در قفسی آهنی به عنوان خائن به تماشای گذاشتند.

پاند در معرکه محنت و بلا اثر برجسته‌اش بنام *Cantos Pisans* پیران فراوان بود آدمی را به یاد «تکه چسبانی» نقاشان نوجومی اندازد. ولی این اثر تنها بازی بالفظ نبود. زیرا در قفس روحی، این کتاب از لابلای کلمات میخواهد شعر را از ملاحظات ملی آزاد کند و مفهوم و ملموس و قابل ترجمه برای همه خوانندگان دنیا گرداند. پاند سیزده سال در آسایشگاه روانی واشنگتن بسر برد (در این مدت *موراویا*، *سیلونه* و *اون گارت تی* مقالاتی در ستایش او نوشتند.) سپس برای ادامه زندگی به ایتالیا برگشت.



مارتین والسر

هر چند که مارتین والسر تا کنون چند جایزه مهم ادبی گرفته است لکن هنوز که هنوز است در ادبیات آلمان غربی مقام و منصب دوپهلو و متناقضی دارد. خوانندگان او را یکی از مهم‌ترین نویسندگان بعد از جنگ آلمان میدانند ولی والسر هنوز چنین توفیقی را در اذهان منتقدان ندارد. ده سال از انتشار نخستین رمانش (ازدواج‌کنندگان در فیلیپس‌بورگ) گذشته است و هنوز والسر به هیأت یک نویسنده مبتدی ملاحظه میشود.

او در ۲۴ مارس ۱۹۲۷ در واسر بورگ بالای دریاچه کنستانس متولد شد و بزودی دست بکار ادبیات گشت. مقارن با هنگامی که در دانشگاه توپین گن تحصیل فلسفه و تاریخ میکرد نخستین مقالاتش را برای روزنامه‌ها و مجلات نوشت پس از دریافت درجه دکتری مدتی کارگردانی تلویزیون کرد. سال ۱۹۵۵ يك مجموعه قصه بنام «هواپیمایی بر فراز بام» جایزه (گروه ۴۷) را برای او ربود و انظار را بسویش جلب کرد.

والسر پس از آنکه اطمینان یافت که فروش کتابهایش قادر به تأمین معاش اوست مشاغل دیگر را کنار گذاشت در کنار دریاچه کنستانس اقامت کرد و حالیه از نویسندگی روزگار میگذراند دومین کتابش (نیمه وقت) که سال ۱۹۶۰ چاپ شد از طرف خوانندگان آثار موج نو با اشتیاق بسیار استقبال گردید.

لکن از جانبی منتقدین او را نویسنده‌ای فاقد ایجاز، نفس حماسی و مهارت کافی دانستند.

پس از این دو کتاب مارتین والسر بجانب تئاتر گرائید و باز همین اسلوب را بکار بست، تشریح موشکافانه‌ای که به تماشاگر نیز مانند خواننده، امکان میدهد هم شاعر و هم قاضی محکمه باشد، این نمایش از قیود و مقاصد دراماتیک آزاد بود.

از نظر والسر هیچکس از مسائل جاری زندگی امروز قادر به تجهیز درامهای واقعی نیست.

بدینگونه، دو نمایشنامه (بلوط و خرگوش . يك مقاله آلمانی و نیز) **آقای گروت**. نماز میت بر يك غیر اخلاقی) برای جماعت، انعکاس کسالتی هستند که والسر در زمان ما مشاهده میکند.

ولی والسر تنها به تشریح ساده جامعه معاصر چنانکه هست اکتفاء نمیکند. هدف او متهم کردن این اجتماع است به امید تغییر دادن آن. این گرایش قبلا در تحقیق رمانهای او نیز بیان شده بود او ساکنان يك شهر بزرگ آلمان را نمونه قرارداد و معایب آلمان مترقی را آشکار میکند آلمانی که در آن قوانین مشترك فرد را مجبور میکنند در جامعه خود حل شود و از اختیار خود چشم ببوشد.

آخرین رمان مارتین والسر **لیکورن** مناقشات پر هیجانی برآه انداخته ولی یکبار دیگر نیز منتقدان را علیه او شورانده است.